کافه کتاب

شجاعت رنج بردن

نویسنده: دل ون تانگرن - سارا ون تانگرن
مترجمه: نازنین فیروزی
انتشارات: میلکان

پیام آشنا: کتاب «شجاعت رنج بردن نوشته» دل ون تانگرن و سارا ون تانگرن و ترجمه نازنین فیروزی است و انتشارات میلکان آن را منتشر کرده است. موضوع این کتاب چارچوبی درمانی در مواجهه با عمیق‌ترین بحران‌های زندگی است.

درباره کتاب شجاعت رنج بردن

رنج بخشی از هست. گاهی سخت‌ها طاقت‌فرسا می‌شوند و درد غالب می‌شود. گاهی دیگر کشمکش‌ها به نظر دور هستند و باز سبک است. با این حال، رنج مردم را از راه‌های مدگذاری تغییر می‌دهد. برای بسیاری، تأثیرات پایای رنج در زندگی‌شان باقی می‌ماند. مواجهه با درد برای پذیرش وقعیت سخت زندگی و انتخاب زندگی پر از معنا نتیجاهت می‌خواهد ما با پذیرش هویتی که پیش‌بینی‌اش نمی‌کردیم، به تلاش بسرای یافتن راهمان در زندگی ادامه می‌دهیم. کتاب «شجاعت رنج بردن» با انسان‌هایی که توصیف می‌کند، چهره‌ای تازه از رنج‌بردن را به ما نشان می‌دهد. این خسران‌های عمیقاً دردناک و اوقات اندوه شدید، ما را با واقعیت‌های وجودی‌ای روبرو کرده است که باید به آن‌ها رسیدگی کنیم. ما فقدان کنترل خود در این زندگی را تصدیق می‌کنیم. می‌دانیم که گوشه‌گیری از جهان چه حسی دارد. درک می‌کنیم که هویت‌ها می‌توانند تغییر کنند و ممکن است نیاز به بازنگری داشته باشند و می‌دانیم که مرگ یک واقعیت است. در این میان، می‌کوشیم روش‌هایی برای پروتزی معنا پیدا کنیم و سعی می‌کنیم، هدف‌مند زندگی کنیم؛ زیرا نمی‌توانیم آینده را کنترل کنیم. ما سعی می‌کنیم به‌حتیال روابط معنادار با افرادی بتاشیم که به ارتباطات پایدار و عمیق تمایل دارند و تمام تلاش خود را می‌کنیم تا با حالت، مطابق با هویتمان که تکامل دردمان است، زندگی کنیم. ما می‌کوشیم از هر لحظه نهایت استفاده را ببریم؛ چون می‌دانیم که زندگی کوتاه است و همه درنهایت خواهیم مرد. آگاهی از این واقعیت‌های وجودی می‌تواند زندگی را معنی کند. گاهی این یادآوری‌ها همه هستند؛ حتی اگر ناخواسته باشند. باز هم هست هستند. معنا هم یک مسئله وجودی است و هم مؤلفه محوری یک زندگی. نکته‌ای که نکوهش این کتاب با گردآوری بینش‌هایی از روان‌شناسی وجودی و روان‌شناسی مثبت، چندهدار غنی و جدابلهای فراهم آورده که ازطریق آن بتوان به مددجوهایی که دارند رنج می‌برند کمک کرد.

درباره نویسندگان

دل آن. ون تانگرن، دارای مدرک دکترا دانشیار روان‌شناسی دانشگاه هُب در شهر هلند ایالت میشیگان است. دل روان‌شناسی اجتماعی است و بیش از صدویست مقاله و مطلب علمی در موضوعاتی مانند معنا در زندگی، دین، فضایل از جمله بخشش و توانمع، روابط و بهزیستی منتشر کرده است. بنیاد جان تمپلتون برای بررسی موضوعاتی ازقبیل معنا در زندگی، دین و هوبتزندایی دینی و توانمع، با کمک‌های مالی زیادی از تحقیقات وی حمایت کرده است. تحقیقات دل تانگرن تعدادی جایزه ملی و بین‌المللی نیز دریافت کرده است، از جمله از سال ۲۰۱۶ از انجمن علوم روان‌شناختی (APS) عنوان «ستاره» نوظهور» دریافت کرد و به‌عنوان عضو انجمن بین‌المللی علوم و دین (ISSR) و عضو انجمن روان‌شناسی غرب میانه (MPA) انتخاب شده. در حال حاضر وی همسار سردبیر مجله روان‌شناسی مثبت و سردبیر منابر مجله روان‌شناسی دین و معنویت و مجله روان‌شناسی اجتماعی است.

سارا ون تتوانگرن تانگرن، مددکار اجتماعی بالینی، مجاز در ایالت‌های میشیگان و ویرجینیا و فارغ‌التحصیل دانشکده مددکاری اجتماعی دانشگاه‌استر کالج‌هوبر جینیا، پر چهوندایالت‌وبر جینیاست.

سارا بیش از دوازده سال سابقه مددکاری اجتماعی بالینی در محیط‌هایی نظیر مطب خصوصی، بروز تگاه‌مهارستان و کلینیک‌های پزشکی سرپایی، پانگاه‌های خشونت خانگی و سلامت رفتاری دارد. وی عضو انجمن ملی مددکاران اجتماعی (NASW) است. در حال حاضر، او یک مطب خصوصی در شهر هلند ایالت میشیگان دارد و آنجا با افراد، زوج‌ها، خانواده‌ها و کودکان، کار می‌کند تا به آن‌ها کمک کند حس معنا را بیرورند و در پی آسیب‌ها و حوادث غیرمنتظره زندگی، روایت‌های تاب‌آوری خود را توسعه دهند. سارا درزمینه رفتار درمانی تنشاخی، ذهن‌آگاهی، روان‌درمانی وجودی، روایت‌درمانی، تنظیم‌مغز و درمان مبتنی بر تعهد و پذیرش تخصص دارد.

بخشی از کتاب شجاعت رنج بردن

«بایادآوری مرگ (جان به‌دربردن از حادثه‌ای مرگبار، تشخیص بیماری مرگ‌مزیان یا یادآوری‌های جامعه‌تری مانند اقدامات تروریستی، تهدید به جنگ هسته‌ای یا فقدان زندگی در مقیاس جهانی) مرگ را در مرکز توجه ما می‌گذارند. جهان پیش‌بالرگه یک روش واضح و منظم برای درک جهان همچون حالتی برای اضطراب ناشتنی از یادآوری‌های مرگ حمل می‌کند. باورهای مذهبی بخش عمده‌ای از جهان‌بینی بسیاری از افراد را تشکیل می‌دهند؛ به‌ویژه هنگامی که مربوط به مرگ باشند. این باورها به آن‌ها کمک می‌کنند از طریق ارائه پاسخ برای ماهیت این زندگی (مثلاً خداوند حافظ من است) و نحوه عبه مرگ (مثلاً زندگی پس از مرگ وجود دارد) با وقعیت مرگ مقابله کنند. وضعیتی که مرگ را نگرانی مهمی می‌کند، باعث فشار بر جهان‌بینی فرهنگی می‌شود و هرگونه نقض در منطق یا انتقاد بالقوه، اقدامی کند. مددجو ممکن است متوجه چنین تنش‌هایی نشود و بپرسد: «چگونه زندگی را درک کنم، وقتی می‌دانم پایان می‌یابد؟ وقتی همه می‌میرند و درنهایت فراموش می‌شوند، من واقعاً اهمیتی دارم؟ اگر همه به‌هرحال می‌میرند، زندگی چه فایده‌ای دارد؟» متعاقباً مرگ تمام فرض‌های مددجوها درباره معنا را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و آن‌ها را وادار می‌کند که درنهایت بپرسند: «آیا با عمل من در این زندگی بالفت می‌شود؟» مرگ به‌احتمال زیاد از بخش زیادی زندگی به‌خصوص برای اعضای سنی گروه مشکل‌ساز است. هوتستریالم برای فعالیت‌هایی برای ناگهانی بالقه برای داشتن یک زندگی اصیل و بدون‌پرون روزهای محسودی که دارند برای بقیه این بالقوی نگیرند آن‌ها را از تصفیه می‌کند و آن‌ها را در حس عمیق بی‌معنایی ژرفی‌برد و باعث می‌شود بپرسند که آیا بالاشتن برای ایجاد معنا اصلاً ارزش در دردسر افتادن را دارد یا نه. علائم احاطه‌شده در مواجهه با مرگ سه واکنش متداول است: الف. انکار اسرکوب ب. اضطراب/اشتغال ذهنی؛ ب. پأس/افسردگی برخی ممکن است با مشغول کردن خودشان با بی‌حسی عاطفی فکر مرگ را انکار یا سرکوب کنند (مثلاً ازطریق مصرف مواد، دیدن زیاد تلفن) درحالی‌که دیگران ممکن است اضطراب شدید را گزارش کنند. ذهن برخی مشغول این نگرانی‌ها می‌شود که خودشان یا دیگران به‌زودی می‌میرند. آن‌ها ممکن است هوشتریالم‌به روی فعالیت‌هایی برای محافظت از خود و دیگران ترمز کرد تنشد (مثلاً نگران رانندگی بدون‌پرون هستند) یا ایمنی خود یا عزیزانشان بالتشد) و برخی از این نگرانی‌ها با واقعیت‌ها ممکن است به‌سطوح ناسالم‌برسند و عملکرد روزانه فرد را مختل کنند. آن‌ها همچنین ممکن است با باورهای مذهبی و معنوی خود کلاویز نشوند و به دام اضطراب بیفتند. درنهایت، برخی از مددجوها ممکن است یأس و افسردگی را گزارش کنند. وقتیت مرگ و گریزناپذیری آن ممکن است آن‌ها را از پا دربیاورد. ممکن است بپرسند که هدف از زندگی چیست وقتی مقدر است همه بمیرند (و فراموش شوند) آن‌ها ممکن است دچار فقدان انگیزش شوند و تنزوع به کناره‌گیری از روابط کنند و در محل کار عملکرد ضعیفی داشته باشند. ممکن است از انجام‌دادن کارهایی که زمانی باعث لذتشان می‌شد لذت نبرند، دست بکشند. ممکن است جهان‌بینی‌شان را تغییر دهند و پوچ‌گرانه شوند و نگرشی سرد بی‌احساس و درنهایت بی‌معنا درباره مرگ اتخاذ بالتشد. آثار نگرانی‌ها درباره مرگ چشم‌گیر و قدرتمند و البته بخشی از زندگی است.»

۱۰۰ درصد اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای کتابخانه‌های البرز جذب شد

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان البرز اعلام کرد: ۱۰۰ درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای سال ۱۴۰۱ برای بهسازی، شاداب‌سازی و تجهیز کتابخانه‌های این استان جذب شد.

به گزارش پیام آشنا، علی معدنی پور با بیان اینکه کتابخانه‌های عمومی به عنوان پایگاهی فرهنگی محسوب شده و نیاز به شاداب‌سازی دارند، افزود: ۲۹ میلیارد ریال از محل تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استان برای توسعه و تجهیز کتابخانه‌های عمومی البرز جذب شد.

وی گفت: این اعتبارات برای تعمیر و تجهیز تأسیسات گرمایشی و سرمایشی، نقاشی و رنگ‌آمیزی متناسب با فضای فرهنگی کتابخانه‌ها، استحکام بنا، بهینه‌سازی کف‌پوش‌های بخش مطالعه و بخش کودک، نوسازی قفسه‌ها، مناسب‌سازی مسیر تردد معلولان، نمادسازی و طراحی در بیشتر کتابخانه‌های عمومی شهری و روستایی بر اساس سیاست‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی و مصوبات انجمن کتابخانه‌های عمومی استان جذب و هزینه شده است.

مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان البرز با اشاره به اینکه فرهنگ‌سازی و اقناع‌سازی نسل جوان در کتابخانه‌های عمومی نیازمند تقویت زیرساخت‌ها و ارتقای سطح خدمات است، افزود: تقویت فرهنگ مطالعه کشور نیاز به حمایت دارد و به رغم تلاشی که از سوی کتابداران و برنامه‌های متنوع فرهنگی و خدمات کتابخانه‌ای که در استان انجام می‌شود نیاز است که توجه ویژه‌ای از سوی مدیران شهری و استان به فضای کتابخانه‌ها در اختصاص بودجه متناسب با جمعیت استان البرز صورت پذیرد.

استان البرز دارای ۷۳ کتابخانه نهادی و مشارکتی است که از این تعداد ۵۲ کتابخانه نهادی، ۲ کتابخانه سیار، یک کتابخانه تخصصی کودک و ۲۱ کتابخانه مشارکتی است که در این کتابخانه‌ها در مجموع یک میلیون و ۳۰۰ هزار جلد کتاب موجود است. قابل ذکر است کتابخانه‌های عمومی استان البرز ۸۵ هزار نفر عضو فعال دارند.

لوح شکسته نستعلیق درویش عبدالمجید طالقانی رونمایی می‌شود

نمایشگاه و همایش بزرگداشت درویش عبدالمجید طالقانی هنرمند بزرگ خوشنویسی البرز در عصر صفوی و رونمایی از لوح ثبتی آثار این هنرمند برگزار می‌شود

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی البرز، این همایش با رونمایی از لوح ثبتی شکسته نستعلیق درویش عبدالمجید طالقانی به سال گذشته به ثبت ملی رسید روز چهارشنبه ۲۶ مهر ۱۴۰۲ برگزار می‌شود.

دراین همایش که باهمت وهمکاری، خانه هنرمندان، انجمن خوشنویسان ایران و اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی البرز برگزار می‌شود، اساتید هنر و خوشنویسی ایران حضور دارند.

درویش عبدالمجید طالقانی (۱۱۵۰- ۱۱۸۵هق) خوش‌نویس، شاعر و عارف شهیر ایرانی است. او بزرگ‌ترین خوش‌نویس خط شکسته‌نستعلیق در تاریخ خوش‌نویسی ایران به شمار می‌رود و این خط را به پایه‌ای رسانید که تاکنون کسی نتوانسته به آن دست پیدا کند. خط شکسته نستعلیق که از نیمه قرن یازدهم رواج یافته بود، در میانه قرن دوازدهم هجری قمری به دست توانمند استاد درویش عبدالمجید طالقانی به اوج خود رسید. سال گذشته شیوه شکسته نستعلیق استاد درویش عبدالمجید طالقانی از استان البرز در فهرست میراث ملی ناملموس به ثبت رسید.

انتشار فراخوان پنجمین سمینار تخصصی تئاتر کودک و نوجوان

فراخوان پنجمین سمینار تخصصی تئاتر کودک و نوجوان مرکز ملی اسیتژ (سازمان بین‌المللی تئاتر برای کودکان و نوجوانان) منتشر شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرکز ملی اسیتژ ایران (سازمان بین‌المللی تئاتر برای کودکان و نوجوانان) در نظر دارد در راستای ایجاد بستر مناسب برای تعامل و تبادل تجربه، فعالان حوزه تئاتر کودک و نوجوان کشور، پنجمین سمینار تخصصی خود را با تأکید بر «ضرورت تولید و توسعه تئاتر برای نوجوان» و با هدف دستیابی به پژوهش‌های علمی برگزار کند. بدین‌وسیله از همه پژوهشگران، اساتید دانشگاه‌ها و علاقه‌مندان تئاتر دعوت می‌شود تا با ارائه پژوهش‌های خود در ارتقای سطح علمی حوزه تئاتر کودک و نوجوان کشورمان سهیم باشند.

آثار پژوهشگران منتخب پس از داوری اثر در سمینار در قالب کتاب به چاپ رسیده و به سه اثر برتر نیز جایزه نقدی تعلق خواهد گرفت.

موضوع مقاله شامل رویکرد دیالوگ‌محور در متن و اجرای تئاتر نوجوان، شگردهای شکل‌گیری تماشاگر-اجراگر در تئاتر نوجوان، روش‌های جذب مخاطب نوجوان به تئاتر با استفاده از رسانه‌های مجازی، روش‌های استفاده از اجراهای محیطی برای مخاطب نوجوان و استفاده از ساختار بازی در تئاتر نوجوان می‌شود.

مهلت دریافت چکیده مقاله‌ها ۳۰ آذرماه و نتایج چکیده مقاله‌های پذیرفته شده ۱۶ دی ماه تعیین شده است.

آثار راه یافته تا روز ۱۶ فروردین ۱۴۰۳ زمان خواهد داشت و برگزاری سمینار اردیبهشت-خرداد ۱۴۰۳ خواهد بود.

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را به پست الکترونیک مرکز ملی اسیتژ ایران assitejiran@gmail.com ارسال کنند.

همچنین برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره ۰۲۱۸۴۰۱۴ داخلی ۴۰۵ و ۴۰۹ تماس بگیرند و یا با پست الکترونیک مرکز ملی استیژ در ارتباط باشند.

مرکز ملی اسیتژ ایران زیرمجموعه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان فعالیت می‌کند.

داریوش مهرجویی؛ کارگردانی که تا مغز استخوان مخاطب نفوذ کرد

داریوش مهرجویی، جهان منتظم سینمایی خود را با بن‌مایه‌های فلسفی، طی ۴۳ فیلم، به ساحت جامعه و دوستداران خود تزریق کرد و در این مسیر، با مواجهه قهرمان و معطلِ زندگی روزانه به یک آسیب‌شناسی شگرفی رسید که سبب شد تا جایگاه وی به‌عنوان کارگردانی تراز اول در تاریخ سینمای ایران ماندگار شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، داریوش مهرجویی در زمانی ظهور کرد که سینمای ایران، افیای فیلمسازی را مشق می‌کرد؛ تولیدات سینمایی کشور، بر مبنای یک اسلوب مرسوم و همیشگی، نوسان چندانی نداشت و مخاطب هم به تماشای این حرکت تکبعدی، عادت کرده بود. در همان سال‌هایی که سینمای ایران دوران گذار از سینمای فیلمفارسی را تجربه می‌کرد، مهرجویی درآمریکا مشغول تحصیل فلسفه بود؛ این انتخاب آگاهانه، تاثیر شگرفی بر شکل‌گیری دنیای سینمایی او داشت، بـرای کارگردانی که یک پل، خلاقیت‌های نامتناهی فردی بود، کنه‌نگری فلسفه می‌توانست در حکم پل دوم، عمق بیشتری به محتوا و ساختار سینمایی بدهد؛ همینطور هم شد و این ۲ پل، از مهرجویی، کارگردانی مقتدار در تاریخ سینمای ایران به وجود آورد.

بر مبنای چنین مختصاتی، کارنامه سینمایی مهرجویی، از ۴ مقطع متنوع تشکیل شده است: از گلو تا هامون، از یاقو تا مهمان مامان، از سنتوری تا آسمان محبوب و از نارنجی‌پوش تا المینور.

شاکله فیلمسازی مهرجویی در هر یک از این مقاطع مختلف، تابع پارامترهای بسیاری بوده است که عیار نویسندگی و کارگردانی وی را نسبت به دوره‌های پیشین و تعیین می‌کند؛ اما نمی‌توان تسویح تمامی این مقاطع، تلاش مستمر مهرجویی در پروسه فیلم‌سازی‌اش، مهرجویی، نخستین کارگردانی است که مولد جریان روشنفکری در عصر هجوم القای بیان فیلمفارسی بود و حتی پس از آن و در اواخر دهه ۶۰، با فیلم هامون، توانست مبتنی بر اقتضائات روز و تغییراتی که در هندسه اجتماعی کشور رخ داده بود، خطدهی جدیدی داشته باشد بر سینمای تازه به راه افتاده روشنفکری ایران.

اگرچه در اواخر دهه چهل، فیلمسازانی چون مسعود کیمیایی، فریدون رهنما، فرخ غفاری، ابراهیم گلستان و در ادامه اینها سهراب شهیدثالث، بهمن فرمان‌آرا و فریدون گله در اعتراض به وضعیت پراستعماری و دوران فترت سرمایه‌داری و رشد اقتصادهای چپ و انتقادی در ایران، شروع به ساخت آثاری برخلاف جریان مرسوم آن زمان کردند اما در میان تمام این کارگردانان، تنها داریوش مهرجویی بود که به نفی صددرصدی جریان فیلمسازی مرسوم آن زمان پرداخت.

عمده کارگردانان منتسب به این موج تنها توانستند فیلمنامه‌های قوام‌یافته‌تری درمقایسه با فیلمفارسی‌های آن زمان بسازند درست مانند مسعود کیمیایی که با یک صرف در شکل‌گیری فضای جدید کمک کرد اما درواقع قیصر، جریان قوام‌یافته‌تر شده فیلمفارسی‌های آن دوران و از همان سبک فیلمسازی بود اما حدیث نفس گاو، تفاوت‌های اساسی با آثار اولیه کارگردانان موج روشنفکری سینمای ایران داشت.

در گلو، درگیری ذهنی کلی مخاطب، مثل حسن است. مثل حسن نه به مانند قهرمانان سینمای آن دوران، خوش‌تیپ و جوان است و نه کنش‌گری بیرون‌گرای پایبودی دارد. مثل حسن، نخستین قهرمان واقعی و جدی در سینمای ایران است که به عنوان میانگین و معدل فکری و معیشتی از زندگی قاطبه مردم آن روزگار معرفی می‌شود و جلوه‌اش می‌ماند. اینکه مردم ما در دهه‌های سی و چهل، طرفدار سینمای فیلمفارسی بودند را باید در تکبعدی بودن ذائقه سینمایی‌شان جستجو کرد. فیلم‌هایی که عمدتا قهرمانانی غیرواقعی و افراق‌شده داشتند که هیچ کدامشان نماینده‌ای از مردم آن روزگار به حساب نمی‌آمدند اما مهرجویی برای نخستین‌بار، قهرمان خود را از بین همان مردم و با همان آئین و طرز تفکر معرفی کرد.

پروانح است که با تغییر رویه زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم در ایران، قهرمانان سینمای مهرجویی نیز همگام با این جریان، به تکامل رسیدهاند. حمید هامون لوح قهرمان‌پروری سینمای مهرجویی است. مهرجویی این بار با قهرمان خود را نه از میان مردم، بلکه بر اساس خمیرمایه بالقوه بخشی از مردم که پس از جنگ و در حال تغییر فرهنگی و در سبک زندگی بودند، انتخاب کرد به آن سر و شکل داد و خصوصیات حقیقی و نابی برای آن در نظر گرفت.

قهرمان دنیای فیلمسازی مهرجویی، دیدرانده سادگی‌هایی است که به یه نوعی نگاه تکبعدی در زندگی را نفی کرده و به انسان به عنوان موجودی متفکر (تعبیر اسطو) اجازه اندیشیدن می‌دهد. حیوان متفکری که در عین دارا بودن بزرگ‌ترین اختیار آمیزادی که همان تفکر است، به تبلیغ دچار احساسات یا طنازی‌هایی شود که این شرایط برای او گاها اجتنابناپذیر است. بنابراین سه عنصر تفکر به عنوان شالوده دنیای انسانی (بدون قضاوت در مورد نحوه تفکر و مختصات خاص تفکر او)، احساس و طنازی، شد شالوده تمام آثار مهرجویی.

در دوره اول فیلمسازی مهرجویی، قهرمان از دل خود مردم است. همان سادگی‌ها را دارد و تفاوت، تنها در نوع نگرش است. این نوع نگرش نه مبنای تحصیلی دارد و نه از تفاوت‌های فرهنگی نشات می‌گیرد بلکه به عنوان نخستین تجربه‌های کارگردان در شکل دادن به فضای منحصربفرد خود محسوب می‌شود. در این دوره، مبنای تفکر بر دو اصل دیگر می‌چربد و این نیاز برای انسان‌هایی که بیشتر شان بافت فکری روستایی داشتند، نقش منجی را ایفا می‌کرد. هیچ چیز به مانند فیلم‌های این دوره مهرجویی نمی‌توانست مخاطبان روشنفکری را اقناع کند.

در دوره دوم، مهرجویی، با رافرتر نهفته و رسوم روشنگرانه بسیاری را در قالب قهرمانانش به مـردم دیکته کرد. دیکته‌هایی که برخی از آنها جریان‌ساز شد و برخی دیگر به مانند پانو به دلیل مسائل خاص زمانی، نتوانست به آن جریان‌سازی برسد اما حداقلش آن بود که قهرمان در سینمای مهرجویی همچنان بر مدار صلابت حرکت می‌کرد. اجزاء‌شنیون‌ها و بعد از آن، سـارا، پری، ایلا، سه گانه‌های بی بودند که این بار بعد از پانو، زنان جامعه را هدف گرفته بودند و هر یک توانستند درگیری‌های روزمره زنان جامعه روشـنفکری دهه هفتاد ایران را با شـرایط آن زمان مطرح کرده و به نوعی الگوساز باشند. این الگوسازی‌ها سبب شد تا کارگردان بسیاری در اواخر دهه هفتاد به این مشی عمل کرده و فیلم‌های در خور توجهی را بسازند. فیلم‌های بعدی کارگردان در این دوره نظیر میکس بعالی و... نیز در این مدار چرخیدند.

در این دوره شـاهد طغیان احسـاس بر دو اصل تفکر و طنازی هسـتیم. اما هم‌چنان مهرجویی تنها بخش کوچکی از جامعه ایرانی را می‌بیند.

دوره سوم فعالیت سینمایی مهرجویی مانور گسترده‌ای بر روی طنازی و احساس دارد. مهمان مامان و سنتوری، دو فیلمی بودند که در عین مطرح کردن برخی آسیب‌های اجتماعی، رگه‌های واضحی از طنازی‌های قهرمانانش را نیز به همراه دارند. حتی در کاراکترهای چون علی سنتوری با آن وضع بحرانی نیز می‌توان رگه‌های این طنازی را در دیالوگ‌ها و حتی برخی کنش‌های مانیاخوایی وی به عینه مشاهده کرد.

در دوره چهارم فعالیت مهرجویی، این تفکر است که بر دو اصل طنازی و احسـاس می‌چربد. مهرجویی به آسمان محبوب و قهرمان خاصش، نگاه عارفانه‌ای دارد که مشکلات مطرح‌شده در آن بر مبنای اصل تفکر وارد فضاسازی‌های مختلفی می‌شود. در نارنجی‌پوش به‌مانند گاو، دغدغه تفکر جدید در عصر معاصر مطرح می‌شود و همان قرار از نگاه تکبعدی، این بار قرار از نگاه کلیشه‌ای زندگی آن هزاره سوم مبنای فیلم قرار می‌گیرد.

در چه خوبه که برگشتی اگرچه مهرجویی، کمدی‌ترین فیلم کارنامه ۴۵ ساله خود را ساخت اما پشت‌پرده تمام آن شوخ‌شنگیزاری‌ها و پرتاب پرتقال‌ها و هوا کردن آن سفینه موهوم، نگاه متجددانه انسان هزاره سوم به مقولات سنتی زندگی خود مطرح می‌شود؛ همان اصلی که دکارت در تاملات خود به آن اشـاره می‌کند که البته موضوع فوق‌العاده سنگینی در فلسفه غرب محسوب می‌شود را این بار مهرجویی تا حدودی ارائه می‌کند. این فیلم نتوانست به شکلی آرمانی یا ناقله مخاطب ایرانی ارتباط برقرار کند تا دوره چهارم فعالیت مهرجویی با ۳ فیلمی آغاز شود که مردم نتوانند به مانند فیلم‌های سه دوره قبلی با آنها ارتباط برقرار کنند.

اشباح و المینور، دیگر فیلمهایی با این حال و هوا بودند که کارنامه مهرجویی را تکمیل می‌کنند. ۲۳ فیلم تا سینمایی که مهرجویی از خود به یادگار گذاشت، همان جهان منتظم ذهنی اوست که وی بنا به مقتضیات دوره‌های تاریخی مختلف، نسبت به ساخت آنها اقدام کرده است. آثاری که این مایه‌ها و تجربه‌های فلسفی در تمام آنها با زندگی‌های روز عجین شده و فیلمساز از این مسیر، دست به یک آسیب‌شناسی اجتماعی زده است.

سینمای مهرجویی، باسبک منحصربه‌فرد خود، فی‌نفسه قهرمان‌پرور است. نوشـته‌های طولانی که جزئی‌ترین حالات درونی و بیرونی قهرمان خود را مورد کاوش قرار می‌دهند و این کاوش‌ها نمی‌خواهند به عنوان نسخه‌ای برای مخاطب مطرح باشـند بلکه تاثیر و تاثرات خود را ناگهانی و بدون اینکه خود بخواهیم، بر ما رخنه می‌کنند. این ویژگی، از آن سینمای مهرجویی است که سبب شده مخاطبان بسیاری، تا مزاراستخوان، به آثار او تعلق‌خاطر پیدا کنند و حال بی‌دلیل و بی‌عقیده نیسـت که جدا از شوکه‌شدن خبر قتل مهرجویی بزرگ، صفحات مجازی، رسـانه‌ها و نیش گفت‌وگوها، بیـش از هر چیز دیگر، دلیل‌مدار این چهره هنری است.

به یاد بیاوریم چه زمان دیگری بود که یک کارگردان، تا این اندازه وارد محاورات مردمی شـده بود. مهرجویی با همان حرکت خزنده توانست در طول سال‌ها، این‌چنین شوکه‌شدن خبر قتل مهرجویی بزرگ، صفحات مجازی، رسـانه‌ها و نیش گفت‌وگوها، بیـش از هر چیز دیگر، دلیل‌مدار این چهره هنری است.

به یاد بیاوریم چه زمان دیگری بود که یک کارگردان، تا این اندازه وارد محاورات مردمی شـده بود. مهرجویی با همان حرکت خزنده توانست در طول سال‌ها، این‌چنین شوکه‌شدن خبر قتل مهرجویی بزرگ، صفحات مجازی، رسـانه‌ها و نیش گفت‌وگوها، بیـش از هر چیز دیگر، دلیل‌مدار این چهره هنری است.

سینمای ایران

مراسم تشییع پیکر داریوش مهرجویی ۲۶ مهر برگزار می‌شود

مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد داریوش مهرجویی و همسرش ساعت ۱۰ صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر در بهشته رودکی برگزار می‌شود

به گزارش پیام آشنا، مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد داریوش مهرجویی ساعت ده صبح روز چهارشنبه ۲۶ مهر در بهشته رودکی برگزار می‌شود.

زنده‌یاد داریوش مهرجویی کارگردان سیتما و همسرش وحیده محمدی در روز شنبه ۲۳ مهر در ویلای شخصی خود به قتل رسیدند.

سینمای جهان

همکاری لینکلیتر و ایتن هاوک برای دهمین بار

ریچارد لینکلیتر با همکاری ایتن هـاوک فیلم بعدی‌اش را می‌سازد

به گزارش پیام آشنا به نقل از برلد آف.ریل یک فیلم جدید فیلمنامه محرمانه با همکاری ریچارد لینکلیتر و ایتن هاوک ساخته می‌شود.

ریچارد لینکلیتر در حال کار روی یک فیلم جدید کاملا محرمانه با هنرپیشه و چهره اصل موسیقی ایتن هاوک است. لینکلیتر هفته پیش از برنامه‌های خود برای فیلم‌برداری یک فیلم فرانسوی زبان در پاریس با بازیگران فرانسوی خبر داده بود و اکنون خبر همکاری مجدد با هاوک منتشر شده است. هر چند جزئیات بیشتری ارائه نشده اما این فیلم دهمین فیلم مشترک آنها خواهد بود.

ایتن هاوک بازیگر و فیلمساز نامزد دریافت ۴ جایزه اسکار و یک جایزه تونی بودهاست. او سه فیلم بلند، سه نمایشنامه خارج از برادوی و یک مستند کارگردانی کرده و خالق ۲ رمان و یک رمان گرافیکی است.

سابقه همکاری هاوک و لینکلیتر طولانی است. وی در سه گانه «بیش از طلوع» (۱۹۹۵)، «بیش از غروب» (۲۰۰۴) و «بیش از نیمه‌شب» (۲۰۱۳) لینکلیتر ایفای نقش کرد و برای نوشتن فیلمنامه فیلم دوم نامزدی اسکار را به دست آورد. وی بازیگر «بیرسیجگی» (۲۰۱۴) ریچارد لینکلیتر هم بود که برای آن هم نامزد دریافت جایزه اسکار شد.

«بیرمان نیوتن» محصول ۱۹۹۸، آیمیشن «زندگی بیداری» محصول ۲۰۰۱، «خوار» فیلم نوآر محصول ۲۰۰۱، «هفت قست فودی» محصول ۲۰۰۶ فیلم‌هایی هستند که لینکلیتر ساخته و ایتن هاوک بازیگرش بوده است. «بلیو» یک کارگردانی ایتن هاوک با بازی هـاوک و لینکلیتر محصول ۲۰۱۸ هم یک همکاری دیگر این ۲ را رقم زد.

جشنواره چه خبر

چهلمین جشنواره فیلم کوتاه به روایت آمار

دومین نشست خبری چهلمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران برحالی برگزار شـد که نگاه آماری این دوره از جشنواره نسبت به سال قبل حکایت از رشد ۴۴ درصدی آثار بین‌المللی رسیده به دبیرخانه دارد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تستیم، براساس اعلام مهدی آذرپندار -دبیر این دوره از جشنواره- مجموعا در دوبخش ملی و بین‌المللی ۸۹۹۷ اثر (فیلم کوتاه) طی دوره تعیین شده برای ارسـال آثار به دبیرخانه این دوره از جشنواره رسیده که از این میزان سهم آثار ملی ۱۷۸۱ اثر و سهم آثار بین‌المللی ۷۲۱۶ اثر تعیین شده است. این درحالی است که اگر آمار اعلام شده آذرپندار درباره آثار رسیده به دبیرخانه جهلمین دوره از جشنواره را با آمار اعلامی سی و نهمین دوره از جشنواره یحتی سال قبل که مجموعا ۷۰۰۸ اثر (۵۰۱۲ اثر خارجی و ۱۹۹۶ اثر ملی) به دبیرخانه رسیده بود مقایسه کنیم، می‌بینیم در مجموع امسال شاهد رشـد ۲۸.۳ درصدی آثار رسیده نسـبت به دوره قبل هستیم، از سوی دیگر اگر با یک نگاه دقیق‌تر به آمار تفکیکی آثار ملی و بین‌المللی ارسال شده به دبیرخانه جشنواره در این دوره زمانی توجه می‌کنیم، می‌بینیم درحالی که در جشنواره چهلم شاهد کاهش ۱۱ درصدی آثار ملی هستیم، در بخش بین‌المللی رشـدی معادل ۴۴ درصد در مقایسه با دوره سی و نهم تجربه شده و حکایت از افزایش اسـتقبال فیلمسازان خارجی از این دوره جشنواره دارد. البته یک نکته جالب توجه آماری هنگام مقایسه دو دوره متوالی از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه در بخش ملی نیز سـهم فیلمسازان تهرانی و شهرسـتانی است به صورتی که آمارهای حاکی از آن است که در مقایسه دوره سی و نهم فیلمسازان تهرانی در ۷۰ درصد را به خود اختصاص داده بودند اما امسـال یحتی در دوره چهلم جشنواره فیلم کوتاه تهران با کمی تغییر به ۵۵.۷ درصد سهم فیلمسـازان شهرسـتانی و ۴۴.۳ درصد تهرانی‌ها رسیده است. به این ترتیب با یک حساب سرانگشتی می‌بینیم اگرچه شاهد کاهش حدود ۱۵ درصدی فیلمسازان شهرسـتانی نسبت به تهرانی‌ها هسـتیم اما همچنان تفاوت حدود ۱۰ درصدی سهم شهرسـتانی حکایت از مشارکت بیشـتر آنها در این دوره از جشنواره دارد چون سهم فیلمسـازان تهرانی در چهلمین دوره از جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه ۴۴.۳ درصد است.

این درحالی است که اگر از مقایسه جشنواره سی و نهم با چهلم بگذریم؛ کمی عمیقتر آمارهای اعلام شده در این دوره از جشنواره توسط مهدی آذرپندار توجه کنیم نکات جالب توجهی دربارهاین جشنواره دیده می‌شود. به گفته آذرپندار امسال در دوره چهلم جشنواره مجموعا ۸۹۹۷ اثر (فیلم کوتاه) به دبیرخانه رسیده است که از این تعداد ۱۷۸۱ اثر ملی و ۷۲۱۶ اثر بین‌المللی بوده که پس از بررسی آثار رسیده به دبیرخانه در بخش بین‌المللی ۶۴ فیلم و در بخش ملی ۹۵ اثر انتخاب شـده‌اند و در این دوره از جشنواره به رقابت درخواهند پرداخت.

نکته جالب توجه برای بخش ملی آثار راه یافته به جشنواره این است که در میان ۹۵ اثر منتخب ۵۲